

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته

سال اول، شماره دوم

پاییز و زمستان ۱۳۹۳



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد حوزه علمیه قم) / محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد حوزه علمیه قم) / محمد قائی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم) / احمد عرفانی نسب (مدرس دانشگاه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی

ویراستاران: احمد تقوی و محمد شیخرضایی

همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - بشری سادات امامی (انگلیسی)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال



شرطية الطهارة ومانعية النجاسة

فضل الله غلامعلي تبار

الخلاصة:

١٨١ واحدة من المباحث المهمة والابتلائية في العبادات مسألة شرطية الطهارة ومانعية النجاسة وتوجد في هذه المسألة ثلاثة مناهج لفقهاء الامامية من البداية حتى الان وهي كالتالي: شرطية الطهارة الخبثية، ومانعية النجاسة من دون معذر، ومانعية النجاسة المعلومة، استدل القائلون بالمنهج الأول بثلاثة ادلة اجتهادية وهي كالتالي: آيات القران، روايات المعصومين (عليهم السلام)، واجماع الفقهاء، ولكن يواجه الدليل القرآني والروائي إشكالات دلالية، والاجماع المدعى على تقدير تحققه فهو مبتلى بالمعارض، وتمسك القائلون بالمنهج الثاني باجماع الفقهاء، وروايات المعصومين (عليهم السلام)، الا ان الاجماع المدعى مدركي والاجماع المدركي لا قيمة له كدليل مستقل عند الفقهاء، وروايات اهل البيت تدل على مانعية النجاسة المعلومة فحسب وذلك لان مجموعة الروايات في المسألة هي عبارة عن: الروايات المعللة، والروايات المشروطة والروايات المستثناة وهي تنسجم مع مانعية النجاسة المعلومة فحسب ولا دلالة لها على شرطية الطهارة الخبثية وهذه الروايات كثيرة الى حد يوجب حصول الاطمئنان للفقهاء بالمنهج الثالث.

الكلمات الرئيسية: شرطية الطهارة، مانعية النجاسة، الطهارة الخبثية، فقه العبادات.



The conditionality of purity and Preventiveness of Impurity

Fazlullah Gholamali Tabar

Abstract

One of the important and practical issues in Jurisprudence of Worship (Fiqh al-Ibadat) is the issue of the conditionality of purity and preventiveness impurity. Three approaches among Shia jurists have been commonplace since the beginning, which are the following: Conditionality of purity from filth (Khubth) , preventive state of inexcusable impurity, and preventive state of known impurity. Those who believe in the first approach have three Ijtihadi reasons which are: Quranic verses, narrations of the Infallible Imams, and the consensus of the jurists; but their Quranic and narrative reasons have argumentative issues, and the alleged consensus, if proved has oppositions. Believers in the second approach have also argued using the consensus of the jurists and the narrations of the Infallibles Imams, but the consensus is connected to a documented narration (Ijma' Madraki), and such consensus does not have the value of an independent reason in the eyes of Shia Jurists. The narrations of the Ahl al-Bayt however, only prove the preventive state of known impurity. Because the set of narrations existing on the issue which are: justifiable narrations, conditional narrations and the exceptional narrations, are only in line with the preventive state of known impurity, and do not imply the conditionality of purity from filth, and these narrations are so abundant that it is sufficient for the jurist to assure the third approach.

Keywords: Conditionality of Purity, Preventiveness of Impurity, Purity from Filth (Tahara khobthiya), Jurisprudence of Worship.



شرطیت طهارت و مانعیت نجاست

فضل الله غلامعلی تبار *

چکیده

یکی از مباحث مهم و کاربردی در فقه عبادات، مسأله شرطیت طهارت و مانعیت نجاست است. سه رویکرد میان فقیهان امامیه از آغاز تا کنون در مسأله مذکور رایج است که عبارت می‌باشد از: شرطیت طهارت خبیثه، مانعیت نجاست بدون معذر و مانعیت نجاست معلومه. قائلان به رویکرد اول به سه دلیل اجتهادی که عبارت است از: آیات قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و اجماع فقیهان تمسک کرده‌اند، ولی دلیل قرآنی و روایی آنها دچار اشکال‌های دلالتی است و اجماع ادعا شده نیز، بر فرض احراز، مبتلی به معارض است. معتقدان به رویکرد دوم همچنین به اجماع فقیهان و روایات معصومان علیهم‌السلام تمسک کرده‌اند، اما اجماع ادعا شده، مدرکی است و اجماع مدرکی نزد فقیهان امامیه، ارزش دلیل مستقل را ندارد و روایات اهل بیت نیز تنها بر مانعیت نجاست معلومه دلالت دارد. زیرا مجموعه روایات در مسأله که عبارت است از: روایات معلل، روایات مشروط و روایات مستثنی، تنها با مانعیت نجاست معلومه تناسب دارد و بر شرطیت طهارت خبیثه دلالت ندارد و این روایات به حدی فراوان است که برای فقیه اطمینان به رویکرد سوم حاصل می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: شرطیت طهارت، مانعیت نجاست، طهارت خبیثه و فقه عبادات.

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم. (babolkonar1360@gmail.com).

۱. طرح مسأله

یکی از مباحث مهم و کاربردی در فقه عبادات، مسأله شرطیت طهارت و مانعیت نجاست است و مقصود از شرطیت طهارت در عنوان مقاله تنها شرطیت طهارت خبثی است؛ نه مطلق طهارت. به این بیان که در صحت عبادات نظیر نماز و طواف واجب، علاوه بر اینکه طهارت حدثی (وضو، غسل و تیمم) شرطیت دارد، طهارت خبثی (طهارت بدن و لباس از آلودگی‌های ظاهری نظیر خون) نیز شرط است، و مقصود از مانعیت نجاست آن است که مکلف لازم نیست طهارت خبثی را احراز کند، بلکه مادامی که علم به نجاست خبثی نداشته باشد، می‌تواند وارد عبادت شود. البته ذکر این نکته لازم است که جواز ورود به نماز، بنابر نظریه‌ی صحیح (مانعیت نجاست معلومه) می‌باشد و گرنه بنابر مانعیت نجاست بدون معذر (رویکرد دوم) ورود به نماز، نیازمند حجت شرعی است.

در اهمیت مقاله مذکور می‌توان بیان کرد که اگر برای فقیهی بعد از تأمل در ادله به ویژه روایات اهل بیت علیهم‌السلام، اطمینان حاصل شود که در صحت عبادات طهارت خبثی شرط نیست، بلکه نجاست خبثی معلوم مانعیت دارد، نتیجه‌اش همان تسهیل بر بندگان می‌شود؛ اما اگر فقیه پس از جستجو پی ببرد که طهارت خبثی همانند طهارت حدثی، شرط صحت عبادت است، در صورت مذکور، نیاوردن نماز با شرط طهارت، نیاز به خواندن دوباره نماز در وقت یا خارج وقت است و هدف از تحقیق پیش رو اثبات مانعیت نجاست معلومه در عبادات است و در فرض شک در نجاست می‌توان به شک مذکور اعتنا نکرد.

شایان ذکر است که در ارتباط با خصوص مقاله مذکور، کتابی یا پایان‌نامه‌ای و حتی مقاله‌ای یافت نشده است، لکن برخی از فقیهان امامیه نظیر محقق نائینی و محقق خوئی در موضوع «نماز در لباس مشکوک» رساله‌ی جداگانه‌ای نوشته‌اند و در ضمن بحث از آن، اشاره‌ای به بحث مذکور داشته‌اند. در این میان تنها می‌توان امام خمینی (خمینی، ۱۴۱۹، ۴۰ - ۵۵) و شهید سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۴۰۸، ۴، ۲۴۳-۲۵۰) را نام برد که مختصری به بحث روائی آن پرداخته‌اند و نیز استاد محترم آیت‌الله حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی (دامت برکاته) که به مناسبت بحث از حقیقت احکام وضعی، در ذیل صحیحه دوم زراره از بخش استصحاب، مقداری به این بحث پرداخته‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۱، ۶۵-۷۷).

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از بیان آرای فقیهان و بررسی ادله آنان در مسأله مذکور، می‌بایست مفاهیم کلیدی آن مورد بررسی قرار گیرد. از این رو به تبیین مفاهیم طهارت، نجاست و شرطیت پرداخته می‌شود:

طهارت

«طهارت» در لغت از ریشه «طاء» و «هاء» و «راء» دارای اصل و گوهر معنایی واحد یعنی زوال پلیدی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۲۸) این واژه، مصدر از فعل طَهَّر (به فتح) در اکثر استعمال‌های عرب، به صورت قیاسی‌تر (راغب، ۱۴۱۲، ۵۲۵) و طَهَّر (به ضم) در لغت اندک (جوهری، ۱۴۱۰، ۷۲۷) از دو باب «قَتَلَ يَقْتُلُ» و «قَرَّبَ يَقْرِبُ» بکار رفته است. واژه طهارت (به فتح) و طَهَّر (به ضم) نقیض واژه نجاست (زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۴۹) و واژه «طاهر» مخالف معنایی واژه «نجس» است. (فیروزآبادی، ۱۴۲۰، ۲، ۳۹۳) و آب پاک خلاف (معنای) آب نجس است (طریحی، ۱۴۱۶: ۲۸۱/۳) و «الماء الطَّهُّور» درباره آبی استعمال می‌شود که از بین برنده نجاست است. (ابن اثیر، بی‌تا، ۱۴۷)

طهارت در اصطلاح فقیهان اطلاق می‌شود هم بر طهارت از خبث و آلودگی‌های ظاهری که بدان طهارت خبثی گفته می‌شود، و هم بر طهارت از حدث و آلودگی‌های معنوی که در اصطلاح بدان طهارت حدثی گفته می‌شود. (خوانساری، بی‌تا، ۱۶) مقصود از طهارت خبثی، تطهیر بدن یا لباس از امور ده‌گانه‌ای از قبیل: بول، غائط، خون، منی و میتة است که در اصطلاح «نجاسات» اطلاق می‌گردد، و طهارت از حدث عبارت است از وضو، غسل و تیمم که با یک سلسله اعمال طبیعی مانند خواب و جنابت باطل می‌شود و طهارت حدثی نیز به طهارت مائیه (طهارت بدست آمده از وضو) و طهارت تراویه (طهارت حاصل از تیمم) تقسیم می‌شود. مقصود از طهارت در مقاله حاضر تنها طهارت خبثی است. زیرا احدی از فقهای امامیه در شرطیت طهارت حدثی حتی تشکیک نیز نکرده است، بلکه مرحوم شهید ثانی در ادامه بحث از طهارت حدثی (وضو) می‌نویسد: الطهارة شرط الصلاة اجماعاً یعنی به اجماع فقیهان، طهارت شرط نماز است. (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ۱۲۱)

نجاست

واژه «نجاست» در نگاه بیشتر دانشمندان علم لغت، مصدر است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۵۶؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳۸۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۴) و در نظر عده‌ای اندک از آنان (فیومی، بی‌تا، ۵۹۴) اسم مصدر است. واژه مذکور از افعال ثلاثی مجرد بر وزن‌های: نَجَسَ الشَّيْءُ يَنْجَسُ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۲۶) از باب عَلِمَ يَعْلَمُ، نَجَسَ يَنْجَسُ از باب قَتَلَ يَقْتُلُ و نَجَسَ يَنْجَسُ (فیومی، بی‌تا، ۵۹۴) از باب حَسَنَ يَحْسُنُ استعمال شده و مخالف معنائی واژه «طهارت» است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵، ۳۹۳) حقیقت معنائی واژه «نجاست» قذارت و پلیدی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۵۵؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ۱۵) شایان ذکر است واژه «نَجَسَ» تنها واژه قرآنی از ریشه نجاست است و همیشه مفرد می‌باشد و در هیچ شرایطی به صورت مثنی، جمع یا مونث استعمال نمی‌شود. (فراهیدی، ۶، ۵۵-۵۶)

واژه نجاست در اصطلاح شریعت، چیزی غیر از اصطلاح عرفی نیست و در نجاست و قذارت شرعی، حقیقتی که عرف و عقلا بدان دست نیافته‌اند، وجود ندارد. بله در بعضی موارد، در نگاه عرف اشیائی پلید محسوب می‌شوند که احکام الزامی نجاست را ندارند، نظیر خلط سینه و مذی، که در این صورت نبودن احکام الزامی کاشف از آن است که شارع مقدس این موارد را یا از نظر موضوع یا از جهت حکم استثنا زده است. (خمینی، بی‌تا، الطهارة، ۱۲-۱۰؛ لنگرانی، ۱۴۰۹، ۱، ۴-۵).

شرطیت

«شرطیت» در لغت از ریشه «شین» «راء» و «طاء» مصدر صناعی (مصدر جعلی و ساختگی) از فعل «شَرَطَ يَشْرُطُ» از باب قَتَلَ يَقْتُلُ و «شَرَطَ يَشْرُطُ شرطاً» از باب «ضَرَبَ يَضْرِبُ» است. (ابن عباد، ۱۴۱۴، ۲۹۱) گفته شده که واژه مذکور تنها دارای یک گوهر معنائی یعنی نشانه می‌باشد. (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۱۳۶، فیومی، بی‌تا، ۳۰۹) واژه «أشراط» در آیه شریفه: «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا» به تحقیق علامت‌های قیامت آمد. (محمد، ۱۸) از این دسته است. واژه «شَرَطَ» در علم لغت به معنای التزام به چیزی در خرید و فروش و نظیر آن است و جمع آن شرایط و شروط می‌باشد. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۳۰۵) ارتباط واژه مذکور با معنای حقیقی آن، در این می‌باشد که شرط شبیه

علامت است که با تحقق آن، مشروط نیز محقق می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲، ۴۵۰) از این رو معنای دقیق واژه مذکور، همان معنایی است که ابن فارس بیان کرده است: «الشين و الرء و الطاء أصلٌ يدلُّ على عَلَمٍ و علامة، و ما قارب ذلك من عَلَمٍ» یعنی «شرط» دارای گوهر معنایی است که بر نشانه و هر آنچه که نزدیک بدان است، دلالت دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۶۰)

مرحوم سید یزدی بر این اعتقاد است که شرط از نظر عرف و لغت یک معنا بیشتر ندارد و آن معنا عبارت است از الزام کردن چیزی و ملتزم شدن به آن در عقد خرید و فروش و همانند آن. (یزدی، ۱۴۱۰، ۲، ۱۰۵) و عده‌ای از محققان (نظیر اصفهانی ۱۴۱۸، ۱۰۹؛ ایروانی ۱۴۰۵، ۶۳؛ خوبی، بی‌تا، مصباح الفقاهة، ۷، ۲۹۷) و سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۱۵) مفهوم «شرط» را در لغت و اصطلاح یکی دانسته‌اند، لکن محقق خوئی در بحث شرطیت می‌نویسد: آنچه از تتبع موارد استعمال و مراجعه به عرف بدست می‌آید، «شرط» دارای معنای کلی «ربط» است، و این معنا در هر سه نوع شرط که عبارتند از: شرط تکوینی، شرط تشریحی و شرط خارجی، وجود دارد (خوئی، ۱۴۱۸، ۵، ۴۰) به عبارت روشن‌تر شرطیت در اصطلاح نیز دارای یک معنای کلی است و آن ارتباط یک شیء با شیء دیگر می‌باشد. شرطیت طهارتی که در مقاله مذکور مقصود است، شرطیتی است که منشأ انتزاعی آن، تشریح شارع باشد و جزء شرایط تشریحی محسوب شود.

در فرق میان مانع و شرط می‌توان گفت مانع عبارت است از چیزی که وجودش مانع از صحت و عدمش شرط صحت عبادت است. از باب نمونه یکی از شرائط صحت نماز عبارت است از نبودن نجاست در جمیع لحظات نماز از آغاز تا پایان، به گونه‌ای که اگر یک لحظه این امر در اثناء نماز تحقق یابد، شرط صحت منتفی می‌شود. (رک: یزدی، ۱۴۲۶، ۳، ۲۹۸).

۳. رویکردها

با بررسی اندیشه‌های فقیهان امامیه از شیخ طوسی تا کنون، بدست می‌آید که در مسأله شرطیت و مانعیت، سه نظریه متفاوت وجود دارد: شرطیت طهارت خبثیه، مانعیت نجاست معلومه و مانعیت نجاست بدون معذر.

رویکرد اول: شرطیت طهارت خبثیه

قائلان به «شرطیت طهارت خبثیه» از تعبیر متعددی نظیر: شرطیت طهارت (طوسی، ۱۴۰۷، خلاف، ۴۷۲)، شرطیت احراز طهارت (عراقی، ۱۳۸۰، ۴۹۲-۴۹۱) شرطیت طهارت معلومه (کاشف الغطاء، بی تا، ۲۳۵) شرطیت طهارت ظاهری (همدانی، ۱۴۱۶، ۲۰۹) شرطیت مطلق طهارت (خوانساری، ۱۴۰۵، ۱، ۲۲۱) و شرطیت ازاله نجاست (یزدی، ۱۴۱۹، ۲، ۲۷) استفاده نموده‌اند، لکن با دقت در عبارت آنان، معلوم می‌شود که مقصود، تنها شرطیت احراز طهارت اعم از طهارت ظاهری و واقعی است و ازاله نجاست عبارت دیگر از طهارت از نجاست می‌باشد. زیرا تمامی کسانی که طهارت را شرط می‌دانند، معتقدند که طهارت تبعدی نظیر طهارت استصحابی کافی است و نیز آنان پذیرفتند که مکلف باید طهارت را قبل از ورود به نماز احراز کند. (رک: کاشف الغطاء، بی تا، ۲۳۵-۲۴۰).

ادله رویکرد اول

قائلان به رویکرد اول، از میان ادله چهارگانه اجتهادی، سه نوع دلیل برای شرطیت اقامه کرده‌اند که عبارت است از: آیات قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و اجماع فقیهان، و احدی از آنان تمسک به دلیل عقلی نکرده است. زیرا اصل مسأله «شرطیت طهارت و مانعیت نجاست» از مسائل تبعدی می‌باشد و تمسک به دلیل عقلی در مسائل تبعدی معنا ندارد. گرچه بعضی از مسائل جانبی آن، نظیر امکان اجتماع شرطیت یک شی با مانعیت ضد آن، از مسائل عقلی است و نیازمند دلیل عقلی است؛ لکن از محل بحث خارج است.

دلیل اول: آیات قرآن

قائلان به شرطیت طهارت خبثیه، به دو آیه شریفه استدلال کرده‌اند که عبارت است از: آیه تطهیر ثياب «وَتِيَابِكُمْ فَطَهِّرْ» (مدثر، ۴) و آیه هجران رجز «وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر، ۵) و می‌توان گفت که تنها همین دو آیه مذکور، برای اثبات شرطیت وجود دارد و آیه سومی در این میان نیست تا بر شرطیت طهارت دلالت کند.

الف: آیه تطهیر ثياب

قرآن کریم در سوره مدثر به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ لباس‌هایت را (از نجاست و آلودگی‌های ظاهری) پاکیزه ساز، عده‌ای از قدمای امامیه، نظیر ابن ابی عقیل (عمانی ۱۴۱۳، ۱۰۳) سید شریف مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۱۷، ۱۰۵) و تعدادی از فقیهان متأخر، نظیر: علامه ابن مطهر (حلی، بی‌تا، ۲، ۴۰۰ - ۳۹۹) و محمد بن مکی (شهید اول، ۱۴۱۹، ۱۲۲)، برای شرطیت طهارت به آیه مذکور استدلال کردند، ولی استدلال به این آیه، بر دو ظهور قرآنی استوار است که عبارت می‌باشد از: ۱. ظهور «تکبیر» در تکبیره الاحرام، ۲. ظهور ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ در وجوب تطهیر از نجاست شرعی. بنابراین مفاد آیه شریفه آن است که در نماز، تکبیره الاحرام واجب است و لباس‌ها را باید قبل از ورود به نماز تطهیر کرد. (فاضل مقداد، بی‌تا، ۱، ۵۴)

نقدها

عدم ظهور آیه در تکبیره الاحرام

مقصود از تکبیر در آیه شریفه، تلفظ به «الله اکبر» در نماز نیست تا قرینه بر وجوب تطهیر لباس قبل از ورود به نماز باشد، بلکه مراد از آن، توصیف خداوند سبحان با اوصاف جلاله ایشان است. زیرا آیه اصلاً در مقام بیان اجزای نماز و وجوب تکبیره الاحرام در اول نماز نمی‌باشد. (میانجی، ۱۴۰۰، ۶۱) چون سوره مدثر از نخستین سوره‌های قرآنی است که بر قلب رسول خدا نازل شده و قبل نزول این آیات، اصل نماز تشریح نشده بود تا تکبیره الاحرام آن واجب شده باشد. (رک: همان، ۲۱۷)

عدم ظهور آیه در تطهیر از نجاست

اشکال دوم این است که سوره مدثر از سوره‌های کوتاه قرآن است و در اوائل بعثت بر رسول خدا نازل شده و اثبات اینکه قبل از آن زمان، رسول خدا نجاست شرعی را جعل کرده، بعید است. (خوئی، ۱۴۱۸، ۱، ۴۶) و نیز ممکن است که «ثياب» کنایه از زنان یا مطلق بستگان رسول خدا باشد و تطهیر به معنای ازاله چرک

شرک از آنان است. همانطوری که میان آنان در زمان نزول آیه رایج بود. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ۱۱) و با احتمال مذکور، ظهوری برای آیه در اثبات مطلوب منعقد نمی‌شود، بلکه ظهور در تطهیر از قذارت عرفی دارد. زیرا طهارت در زمان نزول آیه به معنای قذرات عرفی بوده است. (رک: حائری یزدی، ۱۴۲۶، ۴۱۵)

ب: آیه هجران رجز

با توجه به تحقیقات فراوان، می‌توان گفت نخستین شخصیتی که به آیه «هجران رجز» برای شرطیت طهارت از مطلق خبث استدلال فرموده، سید شریف مرتضی است. (۱۴۱۵، ۹۶) عده‌ای از بزرگان امامیه نظیر: ابن زهره (حلبی، ۱۴۱۷، ۴۱) سید مهدی بحرالعلوم (بروجردی، ۱۴۲۷، ۲۱۱) از ایشان تبعیت کرده‌اند، و استدلال به آیه مذکور برای شرطیت طهارت، مبتنی بر دو مطلب می‌باشد که عبارت است از: ظهور «رجز» در معنای نجاست یا تفسیر روایی رجز به شیء پلید. (قمی، ۱۴۰۴، ۲، ۳۹۳) و بودن ازاله نجاست عبارت اخرای از تطهیر نجاست. (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ۹۷۹۶)

نقد دلیل

به نظر می‌رسد که هیچ یک از مقدمات مذکور قابل قبول نیست. زیرا از یک سو این آیه از جمله آیاتی است که در اوائل بعثت بر قلب نازنین رسول خدا ﷺ نازل شده است و بعید است که رسول خدا تا آن زمان برای طهارت حقیقت شرعی جعل کرده باشد؛ (خمینی، بی‌تا، تقریرات، ۱۴۰) و از سوئی دیگر نمی‌توان به حدیث تفسیری از معصوم تمسک کرد. به چند دلیل: ۱. حدیث مذکور مرسله است و مرحوم قمی نام امام و سند روایت را ذکر ننموده صحیح است. ۲. در معنای رجز در آیه چند احتمال دیگر وجود دارد، نظیر: بت‌ها، شرک، قذارت عرفی. چیزی که معنای نجاست از رجز در آیه شریفه را رد می‌کند، آن است که شیخ طبرسی معنای نجاست را برای رجز حتی به صورت احتمال نیز ذکر نکرده و از احدی از مفسران قبل خود، نیز نقل نکرده است. (طبرسی، ۱۴۱۵، ۱۰، ۵۷۸-۵۷۹)

دلیل دوم: روایات معصومان علیهم السلام

دومین دلیل قائلان به شرطیت طهارت خبثیه، بخشی از روایات اهل بیت علیهم السلام است و مهم‌ترین روایاتی که می‌توان برای شرطیت تمسک کرد، عبارت می‌باشد از:

صحیح اول زراره

شیخ طوسی می‌نویسد: «مَا رَوَاهُ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ وَيُجْزِيكَ مِنَ الْإِسْتِنْجَاءِ ثَلَاثَةٌ أَحْجَارٌ بِذَلِكَ جَرَّتِ السُّنَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَمَّا الْبَوْلُ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ غَسْلِهِ» (طوسی، ۱۳۹۰، ۵۵) امام محمد باقر عليه السلام فرمودند: نماز بدون طهارت، نماز نیست و پاکیزه ساختن با سه سنگ تو را کفایت می‌کند؛ چنانکه با آن سنت و روش رسول خدا بر آن جاری بوده است و اما ادرار پس چاره‌ای جز شستن آن نیست.

با توجه به اینکه شیخ طوسی در کتاب فهرست طریق معتبر به جمیع کتاب‌ها و روایات حسین بن سعید را بیان نموده است. از این رو سند روایت صحیح می‌باشد. (طوسی، بی‌تا، ۵۸) و «طهور» در روایت به قرینه ذیل آن «وَيُجْزِيكَ مِنَ الْإِسْتِنْجَاءِ ثَلَاثَةٌ أَحْجَارٌ...» ظهور در طهارت خبثی دارد. (بروجردی، ۱۴۱۶، ۲۹۵-۲۹۴) زیرا بحث از استنجا با سنگ و نیز بحث از شستن ادرار با آب، تنها با طهارت خبثی تناسب دارد، نه با طهارت حدثی.

نقدها

احتمال جمع در روایت

ممکن است صحیح زراره، دو یا سه روایت مستقل از هم بوده و راوی، آنها را جمع کرده است که در اصطلاح بدان «جمع در روایت» گفته می‌شود و شاهد بر این احتمال، وجود همین روایت به صورت سه روایت جداگانه در تهذیب با یکسان بودن مروی عنه و امام در هر سه بخش آن می‌باشد. (خمینی، بی‌تا، الطهارة، ۳۶۲-۳۶۳) و با وجود چنین احتمال قوی‌ای، ذیل روایت نمی‌تواند قرینه برای صدر روایت باشد.

«طهور» به معنای ابزار تطهیر

استدلال به روایت به شرطیت طهارت در صورتی مفید است که کلمه «طهور» در روایت، به معنای مصدری یعنی «طهارت» باشد، ولی واژه «طهور» به معنای «ابزار تطهیر» است، به این معنا که بدون مطهر نماز محقق نمی‌شود. یعنی نمازگزار باید از آب به عنوان «مطهر» استفاده کند و در هنگام نداشتن آب، برای فرار از قذارت، اگر با سنگ تطهیر بکند، کفایت می‌کند. و شاهد بر این ادعا، ذیل حدیث می‌باشد که امام فرمودند: «ویجزیک من الاستنجاء ثلاثة أحجار» و آنچه که صلاحیت برای مجزی عنه واقع شدن استنجاء با سنگ دارد؛ همان استعمال با آب می‌باشد، نه طهارت به معنای مصدری. (صدر، ۱۴۰۸، ۲۳۳)

صحیحہ دوم زرارہ

مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند: **أَبِي اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... قُلْتُ فَإِنْ ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَلَمْ أُتَيِّقَنَّ ذَلِكَ فَنَظَرْتُ فَلَمْ أَرَ شَيْئًا ثُمَّ صَلَّيْتُ فَرَأَيْتُ فِيهِ قَالَ: تَغَسَّلَهُ وَلَا تُعِيدُ الصَّلَاةَ قُلْتُ: وَلَمْ ذَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ ثُمَّ شَكَّكَتَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ أَبَدًا»** (صدوق، بی‌تا، ۳۶۱) زرارہ می‌گوید: ... و در ادامه گفتم: اگر گمان داشته باشم که آن (خون دماغ یا چیزی از منی) به آن (لباس) اصابت کرده و به آن (اصابت) یقین ندارم، پس نگاه کردم و چیزی را نیافتم، سپس نماز خواندم پس (بعد از نماز) در آن دیدم؟ امام فرمودند: آن را می‌شویی و نماز را اعاده نمی‌کنی. به امام گفتم: چرا؟ امام فرمودند: زیرا تو بر یقین از طهارت بودی سپس شک کردی، پس برای تو سزاوار نیست که هیچ وقت یقین را با شک نقض کنی.

صدر صحیحہ گرچه ظہور در عموم شرطیت طهارت ندارد، بلکه مختص به طهارت لباس، از نجاست خون می‌باشد، لکن تعلیل در ذیل فقرہ سوم روایت، ظہور در شرطیت مطلق طهارت خبثہ برای صحت عبادت دارد، هر چند آن طهارت، طهارت ظاہری و استصحابی باشد. (رک: بروجردی، ۱۴۱۶، ۲۹۶) و به عبارتی، متفاهم عرفی از صحیحہ به برکت تعلیل به استصحاب طهارت خبثہ،

الغای خصوصیت از طهارت لباس و نجاست خون و عدم فرق بین طهارت لباس و طهارت بدن است. (ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۶، ۳۰۵)

نقد دلیل

دانشمندان علم اصول اشکال‌های فراوانی به دلالت صحیحه بر شرطیت طهارت خبثیه مطرح کردند و بخشی از آنها عبارت است از:

عدم دلالت تعلیل بر شرطیت

جعل شرطیت احراز طهارت، معقول نیست. زیرا مستلزم امر محال دور است. چون اگر مولا بگوید: احراز طهارت تعبّدی شرط است، بدین معنا است که احراز طهارتی که جعل شرطیت برای آن طهارت شده، شرط است که در این صورت، شرطیت متوقف بر شرطیت می‌شود. علاوه بر اینکه جعل مذکور، خلاف ظاهر ادله استصحاب است. زیرا وقتی به ظاهر دلیل استصحاب مراجعه شود، در دلیل استصحاب آنچه وجود دارد، تنها کفایت طهارت تعبّدی برای ورود به نماز می‌باشد، اما دلیل استصحاب احراز طهارت تعبّدی را دلالت ندارد. (اصفهانی، ۱۴۲۹، ۳، ۸۳ - ۷۹)

دلالت صحیحه بر مانعیت

صحیحه ظهور دارد در اینکه عدم علم به نجاست در عدم وجوب به اعاده کفایت می‌کند و تنها علم به نجاست از آن جهت که منجز احکام نجاست است، مانع از صحت نماز می‌باشد و تعلیل وارد در روایت با این مبنا همخوانی دارد. زیرا در واقع امام فرموده است: ای سوال کننده تا زمانی که بر یقین به طهارت باشی، در واقع احراز نجاست نکردی، تا احکام نجاست بر تو منجز شود و در فرض کشف خلاف، اعاده بر تو واجب شود. (ر.ک: نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۳۴۸)

۳. صحیحه حلبی

شیخ کلینی نقل می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّلَاةُ ثَلَاثَةٌ ثَلَاثُ أَثْلَاتٍ ثَلَاثُ طَهُورٍ وَ ثَلَاثُ رُكُوعٍ وَ ثَلَاثُ

سُجُودٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۲۷۳) امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز سه سوم است: یک سوم آن طهور است و یک سوم دیگر (آن) رکوع و ثلث (آخر آن) سجده‌ها می‌باشد. با توجه به تحقیقات فراوان، می‌توان گفت تنها شخصیتی که به اطلاق صحیحه فوق تمسک کرده و «طهور» در روایت را اعم از طهارت حدثی و خبثی دانسته، علامه محمد تقی مجلسی است. (مجلسی اول، ۱۴۱۴، ۳۴۱؛ ۱۴۰۶، ۱۲۳) تقریباً تمامی کسانی که بعد از ایشان بحث را دنبال کرده‌اند و حتی فرزند بزرگوار ایشان علامه محمد باقر مجلسی (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ۲۶) مثل فقهای قبل از ایشان، اطلاق‌گیری علامه را زیر نقد گرفته و «طهور» در روایت را مختص به طهارت حدثی دانسته و قائل به انصراف طهور در روایت از طهارت خبثی به طهارت حدثی شده است. زیرا به دلیل مناسبت حکم و موضوع در روایت «لا صلاة الا بطهور» و اهمیت طهارت حدثی در نماز، برای فقیه اطمینان حاصل می‌شود که مراد از طهور، تنها طهارت حدثی است. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۹۵) و نیز وجود رکوع و سجود در صحیحه قرینه می‌شود که مراد از طهور، طهارت حدثی است. زیرا تنها طهارت حدثی است که هم عدل رکوع و سجود می‌باشد.

دلیل سوم: اجماع فقیهان

سومین دلیلی که قائلان به شرطیت بدان تمسک کرده‌اند، اجماع تعدادی از فقهای امامیه (نظیر شیخ طوسی ۱۴۰۷، ۴۷۲؛ شیخ طبرسی ۱۴۱۰، ۱۶۴؛ علامه حلی بی‌تا، ۴۷۷) بر شرطیت طهارت خبثیه است.

نقد دلیل

اشکال صغروی

مراجعه به عبارات قائلان به مانعیت نجاست معلومه و مانعیت نجاست بدون معذّر، نشانگر آن است که آنان نیز ادعای اجماع یا دست‌کم ادعای شهرت بر مانعیت نجاست دارند و شاهد بر این مطلب، ادعای اجماع از سوی محقق نائینی و محقق اصفهانی و ادعای شهرت شهید سید محمد صدر است.

به عبارت دقیق‌تر در کتاب اصولی محقق نائینی آمده است: ... به خلاف زمانی که مکلف قبل از نماز، علم به نجاست نداشته باشد که در این صورت اعاده و

قضای نماز واجب نیست. هر چند بعد از نماز بفهمد که با نجاست بدن و لباس نماز خوانده است و اصحاب به مضمون این دسته روایات عمل کرده‌اند و تمامی کلمات، غیر از کلمات اندک با همین فتوا مطابقت می‌کند. (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۳۴۳) محقق اصفهانی در کتاب گرانسنگ نه‌ایة الدرایة می‌نویسد: تحقیق حال می‌طلبد که احتمال‌های شرطیت و مانعیت بیان شود... پنجمین آنها (احتمال‌ها) بودن نجاستی است که حجت بر عدم آن اقامه نشده، و با وجود معذر در واقع مانعیت برای نجاست نیست. پس معذر دافع مانعیت است نه رافع آن و آنچه موافق روایات و فتاوی علمای برگزیده است، همین احتمال اخیر است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ۳، ۸۲) شهید سید محمد باقر صدر می‌نویسد: آنچه در نظر مشهور روشن‌تر است، همان بودن نجاست مانع؛ نه بودن طهارت خبثی شرط. (صدر، ۱۴۰۸، ۲، ۲۴۷) در نتیجه تمامی دعاوی اجماع بر شرطیت در اثر تعارض با ادعای اجماع یا شهرت بر مانعیت نجاست سقوط می‌کند و از حجیت و اعتبار می‌افتد.

اشکال کبروی

تقریباً عبارات مدعیان اجماع، متشابه و یکنواخت است و این تشابه متنی، خود قرینه است بر اینکه اجماع مزبور از شیخ طوسی در کتاب خلاف دریافت شد و ادعای اجماع شیخ در خلاف، از باب تصریح علمای شیعه به مسأله نبوده، بلکه ادعای اجماعی بوده که از استدلال فقهای شیعه نشأت گرفته است. (کاشف الغطاء، بی‌تا، ۳۴۹) علاوه بر اینکه عده‌ای از اجماع کنندگان نظیر شیخ طوسی (۱۴۰۷، ۱، ۴۷۲) شیخ طبرسی (۱۴۱۰، ۱، ۱۶۳) و علامه حلی (۱۴۱۹، ۱، ۳۴۲) بعد از ادعای اجماع، به آیه قرآن تمسک کرده‌اند و این نشان می‌دهد که اجماع ادعا شده یا اجماع مدرکی و یا دست کم احتمال مدرکی بودن آن وجود دارد، حال آنکه تنها اجماعی حجیت و اعتبار دارد که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد و اگر اجماعی حداقل محتمل المدرک باشد، نمی‌تواند کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد.

رویکرد دوم: مانعیت نجاست بدون معذر

رویکرد دوم میان فقیهان مانعیت نجاست بدون معذر است، و این رویکرد به این معنا است که نجاستی مانعیت دارد که معذر و حجتی بر عدم مانعیت آن نباشد و

اگر نجاستی حجت بر عدم مانعیت او اقامه شود، مانعیت واقعی ندارد. در نتیجه اگر کسی قبل از نماز معذری داشت، مثل استصحاب طهارت خبثیه، نجاست واقعی، نمی‌تواند مانعیت پیدا کند. با جستجوی فراوان می‌توان گفت: تنها دو شخصیت از فقیهان امامیه تصریح به قول سوم کرده و بدان فتوا داده‌اند. و این دو بزرگوار عبارت می‌باشند از: شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۴۲۹: ۳ / ۸۲ - ۷۷) و سید محمد حسینی روحانی. (۱۴۱۳، ۶، ۱۰۳-۱۰۲)

ادله رویکرد دوم

قائلان به رویکرد دوم به دو دلیل تمسک کردند که عبارتند از: اجماع فقیهان و روایات معصومان علیهم‌السلام.

دلیل اول: اجماع فقیهان

شیخ محمد حسین اصفهانی در ابتدای بحث شرطیت طهارت و مانعیت نجاست، پنج احتمال ثبوتی برای شرطیت و مانعیت مطرح می‌کند و بعد از ذکر احتمال پنجم یعنی مانعیت نجاست بدون معذر، می‌نویسد: آن احتمالی که موافق روایات اهل بیت علیهم‌السلام و فتاوی علمای اخیار (برگزیده) است، همین احتمال اخیر می‌باشد. (اصفهانی، ۱۴۲۹، ۳، ۸۲)

نقد دلیل

تمامی اشکال‌هایی که به ادعای اجماع در رویکرد اول بیان شده، به اجماع محقق اصفهانی نیز مطرح می‌شود. به خصوص اینکه از قدمای امامیه، کسی چنین اجماعی را ادعا نکرده است. از این رو نمی‌توان به اجماع مذکور در این مسأله که ریشه آن فهم از روایات است، تمسک کرد. یعنی اجماع مدرکی است.

دلیل دوم: روایات معصومان علیهم‌السلام

هرچند محقق اصفهانی ادعای موافقت روایات اهل بیت با دیدگاه خود را مطرح کرده و حل مسأله مذکور را به کتابها و مباحث فقه و اگذار کرده است، لکن بررسی این مسأله، در کتب فقهی ایشان یافت نشده است و تنها عبارت ایشان در

ذیل صحیحه دوم زراره یافت شده است. از این رو در اینجا تنها نحوه استدلال ایشان در صحیحه مذکور بیان می‌شود، محقق اصفهانی می‌فرماید:

اگر مکلف بعد از نماز، علم پیدا کند که لباس یا بدن او نجس بوده، چون قبل از ظن به اصابت، یقین به طهارت داشته، این یقین خود معذرت است و وجود معذرت نمی‌گذارد که نجاست واقعی، مانعیت پیدا کند و جمله «لأنک کنت علی یقین من طهارتک» اشاره به وجود معذرت دارد، یعنی یک معذرتی بر عدم نجاست وجود دارد و این جمله امام، صغرای قضیه است و کبرای قضیه، جمله «فلیس ینبغی لک أن تنقض الیقین بالشک» می‌باشد که اشاره به مجعول بودن این معذرت دارد. یعنی شارع معذرت را برای این معذرت جعل کرده است بنابراین صرف اینکه قبل از ظن به اصابت، یقین به طهارت داشته، همین یقین، عذرآور است و شارع جعل معذرت برای یقین گذشته کرده است و در نتیجه نماز مکلف نیاز به اعاده یا قضا ندارد. (اصفهانی، ۱۴۲۹، ۳، ۸۴)

نقد دلیل

آنچه که محقق اصفهانی در صحیحه زراره بیان کرده، خلاف ظاهر صحیحه است. زیرا صحیحه زراره نه در مقام بیان عذر و نه در مقام بیان جعل معذرت برای یقین است، بلکه این سخن، فاصله‌ی زیادی با ظاهر صحیحه زراره دارد. زیرا صحیحه زراره، ظهور در شرطیت طهارت خبثیه دارد، و لکن به کمک روایات فراوانی که دلالت بر مانعیت نجاست خبثی دارد، باید طهارت در صحیحه مذکور را، بر عدم نجاست حمل کرد و حمل مذکور، بعید و دور از واقع نیست و در ذیل ادله رویکرد اول، دو جواب دیگری به صحیحه داده شده است.

رویکرد سوم: مانعیت نجاست معلومه

تعداد بسیاری از فقهای امامیه نظیر: شیخ محمدباقر بهبهانی (۱۴۱۹، ۱، ۲۳۹) مولا محمد نراقی (۱۴۲۲، ۳۸۶) شیخ مرتضی انصاری (۱۴۱۴، ۲۸۶۲۸۵) شیخ محمدحسین نائینی (۱۳۷۶، ۴، ۳۴۳ - ۳۴۲) سید ابوالقاسم خوئی (۱۴۱۸، ۳۰۸) شیخ جواد تبریزی (بی‌تا، ۲۲-۲۳) و شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی (۱۳۹۱، ۷۳) معتقد به رویکرد سوم شده‌اند و تنها نجاست معلومه را مانع صحت عبادت دانسته‌اند.

ادله رویکرد سوم

روایات در مسأله شرطیت و مانعیت فراوان است و می‌توان گفت غالب آنها، ظهور در مانعیت نجاست دارد. (خمینی، ۱۴۱۹، ۴۳) و روایات مذکور به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت است از: روایات معلل، روایات مشروط و روایات مستثنی، و به جهت اختصار تنها به ذکر یک روایت در ذیل هر دسته از آنها بسنده می‌شود:

دسته اول: روایات مشروط

دسته اول روایاتی است که به صورت جمله شرطیه دلالت دارد بر اینکه اگر مکلف نماز خود را در لباس یا بدن نجس خوانده باشد و علم به نجاست نیز نداشته است، اعاده لزومی ندارد و همچنین روایاتی دلالت دارد بر اینکه وجوب اعاده، مشروط به علم به نجاست است و روایاتی که بیانگر چنین مطالبی است، عبارت است از: معتبره عبدالرحمن، صحیححه وهب. (طوسی، ۱۳۹۰، ۱۸۱) موثقه ابن زیاد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳، ۴۲۹) صحیححه عبدالله بن سنان (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۴۰۶) صحیححه محمد بن مسلم (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۴۰۶) صحیححه ابی بصیر (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۴۰۵) و صحیححه علا (طوسی، ۱۴۰۷، ۱، ۲۵۲) و بهترین ادله رویکرد سوم، همین دسته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است و متفاهم عرفی از این دسته روایات آن است که نجاست معلومه مانع نماز می‌باشد. به جهت اختصار به معتبره عبدالرحمن اکتفا می‌شود.

شیخ طوسی نقل می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَفِي ثَوْبِهِ عَذْرَةٌ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ سِنُورٍ أَوْ كَلْبٍ أُعِيدَتْ صَلَاتُهُ قَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا يُعِيدُ» (طوسی، ۱۳۹۰، ۱، ۱۸۰) اگر مردی با لباسی نماز بخواند که در لباس او مدفوع انسان یا فضله گربه یا سگ باشد، آیا نمازش را دوباره بخواند؟ امام صادق فرمودند: اگر پیش از نماز نمی‌دانست، لازم نیست که نمازش را دوباره بخواند.

روایت از جهت سند معتبر می‌باشد؛ زیرا اسناد شیخ در استبصار به علی بن مهزیار صحیح می‌باشد. (طوسی، ۱۳۹۰، ۱۸۰) و تنها ابان بن عثمان، ناووسی (واقفی)

است. (کشی، ۱۴۰۹، ۳۵۲) لکن اصحاب اجماع بودن ایشان، نقل روایت از امام کاظم علیه السلام و قرار گرفتن ایشان در طریق چند کتب معتبر شیعه نظیر تفسیر قمی، شواهدی بر توثیق او است. (خوئی، بی تا، ۱۴۶)

روایت فوق از نظر دلالت نیز صراحت دارد و می فرماید که تنها نجاست معلومه مانع نماز است. زیرا حضرت فرموده است: «إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا يُعِيدُ» و منطوق جمله می فهماند که نجاست غیر معلومه مانعیت ندارد تا سبب اعاده نماز شود و مفهوم جمله شرطیه نیز وجوب اعاده را تنها در فرض علم به نجاست می داند. (جزائری، ۱۴۰۸، ۴۶۶)

نقد دلیل

مفاد صحیحه، مانعیت غیر مأكول است، به این بیان که روایت حمل اجزای غیر ماکول را در نماز، سبب اعاده نماز می داند، هر چند آن اجزای غیر مأكول، پاک باشد. (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸، ۶۵) و این اشکال تقویت می شود به این بیان که در روایت «سنور» آمده است و حال آنکه «سنور» از حیوانات غیر ماکول و حرام گوشت می باشد. (ر.ک: بروجردی، ۱۴۲۶، ۱۶۱) بنابراین نمی توان از صحیحه مذکور برای مانعیت نجاست خبثی استفاده نمود.

جواب نقد

به نظر می رسد اشکال فوق وارد نباشد. زیرا اولاً راوی از عذر انسان و سنور و کلب سوال کرده و آن حیثیتی که مشترک بین هر سه عذر است، همان حیثیت نجس بودن عذرات سه گانه می باشد، و مانعیت غیر مأكول تنها در عذر سنور (گره) و کلب (سگ) مشترک است. زیرا به کمک روایات معتبر و نیز به سبب انصراف، «انسان» از ادله مانعیت غیر مأكول اللحم خارج است. بله می توان با ملاحظه «سنور» و «کلب» حکم حیثیت دوم را نیز استفاده کرد و با همدیگر تنافی ندارد. (ر.ک: لنکرانی، ۱۴۰۸، ۲۶۹) بنابراین روایت صحیحه است و بر مانعیت نجاست خبثیه معلومه دلالت دارد.

دسته دوم: روایات معلل

دسته دوم روایاتی است که علت بطلان نماز را تنها مانعیت نجاست خبثی دانسته است و شش روایت زیر مجموعه این دسته قرار دارد که عبارت می‌باشد از: صحیحہ خیران، صحیحہ ابن سنان (طوسی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۶۱)؛ موثقہ ابن بکیر (ابن بابویہ، بی‌تا، ۲، ۳۵۷)؛ موثقہ عمار (طوسی، ۱۳۹۰، ۱، ۹۶) روایت ابی یزید (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۴۰۳)؛ و روایت نمیری (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۴۰۰). ولی به اختصار به بررسی صحیحہ خیران بسنده می‌شود:

مرحوم شیخ کلینی روایت مذکور را اینگونه نقل می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ خَيْرَانَ الْخَادِمِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الثَّوْبِ يُصِيبُهُ الْخَمْرُ وَالْخَمُّ الْخِنْزِيرِ أَيْصَلِّي فِيهِ أَمْ لَا؟ فَإِنَّ أَصْحَابَنَا قَدْ اِخْتَلَفُوا فِيهِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: صَلِّ فِيهِ فَإِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا حَرَّمَ شَرْبَهَا، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَا تُصَلِّ فِيهِ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُصَلِّ فِيهِ فَإِنَّهُ رَجَسٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۴۰۵) خیران خادم می‌گوید: به امام (هادی) نامه نوشتیم درباره مردی که به لباس او شراب یا گوشت خوک اصابت کرده، آیا می‌تواند در آن لباس نماز بخواند؟ زیرا اصحاب ما در آن اختلاف کرده‌اند، برخی از آنها می‌گویند: در آن نماز بخوان. زیرا خداوند تنها شرب آن را حرام کرده است و بعضی دیگر می‌گویند: در آن نماز نخوان، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتند: در آن لباس نماز نخوان؛ زیرا او رجس است.

روایت مذکور برای اثبات مانعیت نجاست باید در دو مرحله بررسی گردد:

بررسی سندی

بزرگان امامیه در مواجهه با روایت مذکور دو گروه شدند؛ عده‌ای از آنها، از حدیث خیران به «ضعیف» (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ۱۵، ۳۲۴) یا به «روایة الخیران» (شهید صدر، ۱۴۰۸، ۴، ۲۳۵) تعبیر کرده‌اند و تعبیر به «روایت» بیانگر ضعف حدیث است، اما در مقابل عده‌ای دیگر از اعظام، از حدیث مذکور، به «معتبره» (شیخ بحرانی، ۱۴۱۵، ۲، ۳۰۵) یا «حسنه» و یا صحیحہ (امام خمینی، بی‌تا، الطهارة: ۴/۴۹) تعبیر کرده‌اند و به نظر می‌رسد که منشأ اختلاف تعبیر در مورد حدیث به بررسی رجالی دو شخصیت در روایت بر می‌گردد که عبارتند از: علی بن محمد و سهل بن زیاد؛

زیرا اولاً خیران خادم مورد وثوق تمامی دانشمندان علم رجال است. چون شیخ طوسی رحمته الله در رجال خود در ذیل راویان امام ابی الحسن الثالث (امام هادی) خیران خادم را توثیق کرده است، (طوسی، ۱۴۲۷، ۳۸۳) و همچنین مرحوم نجاشی (۱۴۰۷، ۱۵۵) و کشی (۱۴۰۹، ۶۰۸) اعتراف به وثاقت او داشته‌اند و ایشان در میان علمای امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد. (خوئی، بی‌تا، معجم رجال الحدیث، ۸، ۸۸) بنابراین اشکالی در وثاقت خیران نیست؛ ثانیاً مقصود از «الرجل» در حدیث شریف، مشخص است و کسی تشکیک نکرده است. زیرا مراد از «الرجل» وجود با برکت امام هادی رحمته الله می‌باشد. چون خیران خادم از اصحاب امام هادی رحمته الله و مکاتبات او تنها از این امام بزرگوار است. (همان)

بنابراین ریشه اختلاف تعبیر بزرگان از این حدیث شریف و در نتیجه بررسی سندی روایت مذکور، منحصر در دو راوی یعنی «علی بن محمد» و «سهل بن زیاد» است. از این رو باید بحث رجالی روایت مذکور، متمرکز در بررسی احوالی این دو شخصیت رجالی شود:

الف: علی بن محمد

هر چند «علی بن محمد» مشترک بین دو شخصیت از مشایخ مرحوم کلینی رحمته الله یعنی علی بن محمد بن بندار معروف به علان و علی بن محمد بن عبدالله قمی است که نفر اول آن ثقة و نفر دوم آن مجهول الحال می‌باشد؛ اما اولاً بعید نیست که اطلاق علی بن محمد در روایت، به نفر اول منصرف باشد. (عاملی، ۱۴۱۹، ۳، ۲۳۷) زیرا شیخ کلینی از ابن بندار بسیار زیاد روایت نقل کرده و کثرت نقل روایت شیخ کلینی رحمته الله از ابن بندار قرینه می‌شود که مراد از علی بن محمد در صورتی که به صورت مطلق و بدون قید از ایشان نام برده شود، در زبان مرحوم کلینی در کافی همان ابن بندار است. (خوئی، ۱۴۱۸، ۱۳۵-۱۳۶)

ثانیاً هر چند به وثاقت نفر دوم تصریح نشده، اما بعید نیست به سبب آنکه از مشایخ شخصیتی همچون کلینی است، وثاقت وی ثابت شود؛ به ویژه اینکه در کافی از ایشان نقل حدیث شده است. (شیخ مومن قمی، بی‌تا، مجله فقه اهل بیت، ۵۳، ۵) اما به نظر می‌رسد مطلب مذکور قابل پذیرش نباشد. زیرا روش مرحوم کلینی

در نقل حدیث، معلوم نیست بر چه مبنایی بوده است؛ به این معنا که آیا نقل حدیث وی بر مبنای وثوق به روایات بوده است یا مدح راوی بوده یا اینکه ایشان اصالة العدالة ای بودند یا غیر این موارد؛ لکن به جهت انصرافی که بیان شده، خللی از ناحیه علی بن محمد به حدیث وارد نمی‌شود. زیرا علی بن محمد در روایات، منصرف به علی بن محمد بن بندار ثقه است.

ب: سهل بن زیاد

درباره سهل بن زیاد نیز بزرگان امامیه دو نظریه کاملاً متفاوت ارائه داده‌اند. عده‌ای از آنان، نظیر: شیخ بهبهانی (۱۴۲۴، ۵، ۸) شیخ مرتضی انصاری (۱۴۱۵)، کتاب الصلاة، ۱، ۷۱)، امام خمینی (۱۴۱۹، ۱، ۷۸) و سید گلپایگانی (۱۴۱۲، ۳، ۳۶) قائل به وثاقت جناب سهل بن زیاد شده‌اند، و عده دیگری از اعظام نظیر سید خوئی قائل به عدم وثاقت ایشان شده و می‌نویسند: «الامر فی السهل لیس بسهل لعدم ثبوت وثاقته فی الرجال» (۱۴۲۸، ۳، ۸۷) یعنی نمی‌توان درباره سهل آسان گرفت. زیرا وثاقت او در رجال ثابت نشده است.

به نظر می‌رسد نظریه صحیح، ثقه بودن سهل بن زیاد باشد. زیرا:

۱. هر چند شیخ طوسی در فهرست او را تضعیف کرده؛ (شیخ طوسی، بی‌تا، ۸۰) اما در رجال وی را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۴۲۷، ۳۸۷) و در صورت تعارض فهرست و رجال، رجال مقدم است. چون مرحوم شیخ رحمته الله «الفهرست» را قبل از رجال نوشته و در فرض تعارض آن دو، رجال به جهت تأخر زمانی مقدم می‌شود. زیرا این تعارض نشان می‌دهد که شیخ طوسی رحمته الله از نظر خود در فهرست برگشته است. (تراوی شهرضائی، ۱۳۸۷، ۱۳۲) و همچنین شیخ در ترجمه رجال، وقتی کتاب‌های خود را می‌شمارد، نام فهرست را نیز می‌آورد و این آوردن نام فهرست در رجال، نشان می‌دهد که فهرست قدیمی‌تر است و در فرض تعارض، رجال مقدم است.

۲. مشایخ از سهل اکتار روایت دارند و اکتار قرینه بر توثیق است. (انصاری،

۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ۱، ۷۱)

۳. تضعیف او توسط احمد بن محمد بن عیسی، به دلیل نسبت غلوی بوده که

به وی داده شد. زیرا او روایاتی را نقل می‌کرد که مردم آن زمان، قدرت درک آن را نداشته‌اند. (شیری زنجانی، مجله فقه اهل بیت، ۹، ۱۶۶)

۴. گاهی مواقع شیخ کلینی با جمله «عدة من اصحابنا عن سهل» روایت می‌کند و تعداد آن در کافی کم نیست و بیشتر «عدة من أصحابنا» همان مشایخ کلینی‌اند و خیلی دور است که این افراد از شخص ضعیف، نقل حدیث کرده باشند. (همان)

۵. تتبع در جمیع ابواب فقه، برای هر متبعی اطمینان می‌آورد که جناب سهل در جمیع ابواب، قدم راسخ و استواری داشته و احادیث ایشان از یک استحکامی برخوردار است. (خمینی، ۱۴۱۹، ۱، ۷۸)

۶. مشهور به روایت خیران از سهل در محل بحث عمل کرده‌اند و عمل مشهور به حدیث، منجبر ضعف سندی روایت می‌شود و در نتیجه می‌توان به این روایت تمسک کرد. (بهبهانی، ۱۴۲۶، ۵، ۸؛ ۱۴۱۹، ۲، ۱۸۹)

به نظر می‌رسد جواب اخیر دقیق نباشد. زیرا اول اینکه مطلب مذکور مبنایی است و اگر مبنای فقهی همچون محقق خوئی رحمته الله این باشد که شهرت عملی جابر ضعف سندی نیست (خوئی، بی‌تا، مصباح الفقاهة، ۲، ۱۰۰) در این صورت عمل مشهور هیچ تأثیری در تصحیح سند روایت ندارد. دوم اینکه ممکن است دلیل فتوای مشهور در محل بحث، روایت مذکور نباشد؛ بلکه به دلیل ادله معتبر دیگر در مسأله بوده باشد؛ اما با توجه به پنج مطلب اول، اطمینان به وثاقت سهل بن زیاد حاصل می‌شود و برای وثاقت او نیازی به عمل مشهور به روایات ایشان نیست. بنابراین روایت خیران خادم می‌تواند از نظر سندی صحیح محسوب شود.

تقریب استدلال به صحیح

سوال سائل از نجاست لباس توسط ملاقات با شراب است، اما اینکه اصل نجاست مانع نماز می‌باشد، مفروض و مسلم در نزد راوی بوده است. (صدر، ۱۴۰۸، ۲۲۹) و تعلیل در سوال راوی به «صل فيه فان الله حرم شربه» قرینه می‌شود که مراد از رجس در فرمایش حضرت، همان نجاست بوده که از نماز خواندن در آن، سوال شده است. (لنکرانی، ۱۴۰۹، ۱۴۷) به عبارتی اختلاف اصحاب در

استحباب شستن نبوده، بلکه در نجاست لباس بوده است. (خمینی، ۱۴۱۹، ۳، ۲۴۳) و ظهور جمله «فانه رجس» در بیان تعلیل و کبرای کلی، به حدی روشن است که می‌توان گفت: روایت گویا صراحت در کبرای کلی دارد. زیرا از استدلال امام به رجس، فهمیده می‌شود که امام حکم منع را به رجس و نجاست تعلیل آورده و مقتضای قانون تعلیل، استفاده کبرای مانعیت تمامی نجاست در نماز است. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الطهارة، ۲۱۶)

دسته سوم: روایات مستثنی

دسته سوم روایاتی است که بعضی از نجاسات خبیثه را استثنا زده و بیان کرده است که اگر مکلف حتی عالم به وجود این نجاسات در لباس یا بدن خود باشد، می‌تواند وارد نماز شود و در آینده با مرتفع شدن موانع، نیازی به اعاده یا قضای آن نمازها نیز نمی‌باشد.

این دسته روایات، خود نیز به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت است از: خونهای قروح و جروح (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۳۵-۴۳۳)؛ خونهای کمتر از درهم (طوسی، ۱۳۹۰، ۱، ۱۷۵-۱۷۷) و لباسهای کوچک نجس. (طوسی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۵۵-۳۶۰)

ظاهر این دسته روایات نشان می‌دهد آن عفوئی که مورد جعل شارع واقع شده، اختصاص به فرضی دارد که همین موضع به سبب دیگر نجس نشده باشد و این فرض تنها با مانعیت تناسب دارد زیرا تنها مانعیت انحلال پذیر است و می‌توان آن را از بعضی نجاسات سلب کرد، بدون آنکه از دیگر نجاسات سلب شده باشد. اما بنابر شرطیت طهارت تبعیض مذکور غیر عرفی است. زیرا به حسب فهم عرفی، طهارت یک امر بسیطی است و در مقام یا موجود است و یا معدوم، و اعتبار اینکه جزئی از طهارت موجود باشد و جزء دیگری از آن معدوم باشد، این عدم انحلال طهارت، در نزد عرف خیلی روشن می‌باشد. (ر.ک: شیخ الشریعة اصفهانی، ۱۴۰۴، ۱۳۰) علاوه بر اینکه در بخشی از این دسته نیز، عنوان «قدر» بکار رفته است و می‌توان از عنوان «قدر» که ظهور در اعتبار ازاله نجاست دارد، مانعیت نجاست خبیثه را استفاده نمود. (لنکرانی، ۱۴۰۸، ۶۱۹)

۴. نتیجه گیری

- با توجه به آرا و ادله فقیهان امامیه از آغاز تا کنون می توان سه نتیجه مهم گرفت.
۱. در مسأله شرطیت و مانعیت تنها سه رویکرد رایج است که عبارتند از: شرطیت طهارت خبیثه، مانعیت نجاست بدون معذر و مانعیت نجاست معلومه.
 ۲. تمامی تعابیر قائلان به «شرطیت طهارت خبیثه» نظیر: «شرطیت احراز طهارت» «شرطیت طهارت معلومه» «شرطیت طهارت ظاهری» به «شرطیت احراز مطلق طهارت» (اعم از ظاهری و واقعی) برمی گردد.
 ۳. عمده دلیل برای رویکرد صحیح در مسأله، روایات معصومان علیهم السلام می باشد. زیرا مجموعه روایاتی که در باب شرطیت و مانعیت وارد شده، غیر از روایات طهارت، عبارت است از: روایات معلل، روایات مشروط و روایات مستثنی، و بیشتر روایات اهل بیت، تنها با رویکرد مانعیت نجاست معلومه تناسب دارند و روایات دال بر طهارت یا مشکل دلالتی دارند، یا با مانعیت نجاست تناسب دارند، یا اینکه به جهت ندرت، حمل بر مانعیت نجاست می شوند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن فارس، ابوالحسین احمد، (۱۴۰۴ ق) *معجم مقانیس اللغة*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، اول.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق) *لسان العرب*، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بیروت، سوم.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲ ق) *مفردات ألفاظ القرآن*، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول.
- اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمد جواد نمازی، (۱۴۰۴ ق) *أحكام الصلاة* (لشیخ الشریعة) کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، قم، اول.
- اصفهانی، محمدحسین، (۱۴۱۸ ق) *حاشیة کتاب المکاسب*، أنوار الهدی، قم، اول.
- اصفهانی، محمدحسین، (۱۴۲۹ ق)، *نهاية الدراية في شرح الكفاية*، بیروت، دوم.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۴ ق) *رسائل فقهية*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، اول.
- ۱۷۱ - انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ ق) *کتاب الطهارة*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، اول.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ ق) *کتاب الصلاة*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، اول.
- ایروانی، علی بن عبد الحسین نجفی، (۱۴۰۶ ق) *حاشیة المکاسب* (للایروانی) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول.
- بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، (۱۴۱۹ ق) *القواعد الفقهية*، نشر الهادی، قم، اول.
- بحر العلوم، سید مهدی، (۱۴۲۷ ق) *مصاییح الأحکام*، منشورات میثم التمار، قم، اول.
- بحرانی، محمد سند، (۱۴۱۵ ق) *سند العروة الوثقی* - کتاب الطهارة، انتشارات صحفی، قم، اول.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، (۱۴۱۶ ق) *تقرير بحث السيد البروجردي*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، (۱۴۲۶ ق) *تبیان الصلاة*، گنج عرفان للطباعة و النشر، قم، اول.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، (۱۴۱۹ ق) *الحاشیة على مدارك الأحکام*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، (۱۴۲۶ ق) *حاشیة الوافی*، در یک جلد، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، قم، اول.

- تبریزی، جواد بن علی، (بی تا) **التهدیب فی مناسک العمرة و الحج**، اول.
- ترابی شهرضائی، اکبر، (۱۳۸۷ش) **پژوهشی در علم رجال**، انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه) قم، اول.
- جزائری، سید نعمه الله، (۱۴۰۸ق) **کشف الأسرار فی شرح الاستبصار**، مؤسسة دار الکتاب، قم، اول.
- جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بی تا) **النهاية فی غریب الحديث و الأثر**، مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، اول.
- جمعی از مؤلفان، (بی تا) **مجله فقه اهل بیت علیهم السلام**، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق) **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية**، دار العلم للملایین، بیروت، اول.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸ق) **ریاض المسائل** (ط - الحديثة) مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول.
- حائری، مرتضی بن عبد الکریم، (۱۴۲۶ق) **شرح العروة الوثقى** (للحائری)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول.
- حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، (۱۴۱۷ق) **غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع**، مؤسسه امام صادق علیهم السلام، قم، اول.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (بی تا) **تذکرة الفقهاء** (ط - الحديثة) مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول.
- خمینی، سید روح الله، (۱۴۱۹ق) **کتاب الطهارة** (ط - الحديثة) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، اول.
- خمینی، سید روح الله، (بی تا)، **کتاب الطهارة** (تقریرات، للإمام الخميني) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، اول.
- خوانساری، آقا حسین بن محمد، (بی تا) **مشارق الشمس فی شرح الدروس**، بی جا، اول.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ق) **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا) **مصباح الفقاهة** (المکاسب) نجف اشرف، اول.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق) **موسوعة الإمام الخوئي**، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، قم، اول.
- خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا) **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال**، نجف اشرف، اول.
- روحانی، محمد، (۱۴۱۳ق) **منتقى الأصول**، قم، اول.

- سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ ق) *مهذب الأحكام* (للسبزواری) مؤسسة المنار، قم، چهارم.
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، (۱۴۱۵ ق) *الانتصار في انفرادات الإمامية*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، (۱۴۱۷ ق) *المسائل الناصریات*، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية، تهران، اول.
- شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۹ ق) *ذکر الشیعة في أحكام الشریعة*، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۲ ق) *روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان* (ط - الحدیثة) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (بی تا) *علل الشرائع*، کتابفروشی داوری، قم، اول.
- صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ ق) *المحیط في اللغة*، عالم الکتاب، بیروت، اول.
- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۸ ق) *بحوث في شرح العروة الوثقى*، مجمع الشهید آیه الله الصدر العالمی، قم، دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۰ ق) *المؤتلف من المختلف بين أئمة السلف*، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، اول.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ ق) *مجمع البيان*، مؤسسة الاعلمی، بیروت، اول.
- طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ ق) *مجمع البحرين*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، سوم.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ ق) *الاستبصار فيما اختلف من الأخبار*، دار الکتب الإسلامية، تهران، اول.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق) *الخلاف*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق) *تهذیب الأحكام*، دار الکتب الإسلامية، تهران، چهارم.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۲۷ ق) *رجال الشيخ الطوسي*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، سوم.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (بی تا) *الفهرست*، المكتبة الرضویة، نجف اشرف، اول.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق) *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، اول.
- عراقی، عبد النبی نجفی، (۱۳۸۰ ق) *المعالم الزلفی في شرح العروة الوثقى*، المطبعة العلمیة، قم، اول.
- عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حدّاء، (۱۴۱۳ ق) *حیاة ابن أبی عقیل و فقهه*، مرکز المعجم الفقهی، قم، اول.

- فاضل مقداد، (بی تا) *کنز العرفان في فقه القرآن*، قم، اول.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۴۰۸ ق) *تفصیل الشریعة في شرح تحریر الوسيلة - الصلاة*، مؤلف، قم، اول.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۴۰۹ ق) *النجاسات و أحكامها*، مؤلف، قم، اول.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۴۲۷ ق) *المکاسب المحرمة*، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، اول.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمدجواد، (۱۳۹۱ ش) *درس خارج اصول* (استصحاب) مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق) *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، دوم.
- فیروزآبادی شیرازی، مجدالدین، محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم، (۱۴۲۰ ق) *القاموس المحيط*، دارالکتب العلمیة، بیروت، اول.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، (بی تا) *المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعی*، منشورات دار الرضی، قم، اول.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق) *تفسیر القمی*، دارالکتاب، قم، سوم.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، (بی تا) *شرح طهارة قواعد الأحكام*، مؤسسه کاشف الغطاء.
- کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبد العزیز، (۱۴۰۹ ق) *رجال کشی*، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، اول.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) *الکافی* (ط - الإسلامية) دارالکتب الإسلامية، تهران، چهارم.
- گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی، (۱۴۱۲ ق) *الدر المنضود في أحكام الحدود*، دارالقرآن الکریم، قم - ایران، اول.
- مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق) *روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه*، مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانبور، قم، دوم.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ ق) *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، دارالکتب الإسلامية، تهران، دوم.
- مجلسی، محمدتقی، (۱۴۱۴ ق) *لوامع صاحبقرانی*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم.
- میانجی، محمد باقر ملک، (۱۴۰۰ ق) *بدائع الكلام في تفسير آیات الأحكام*، مؤسسه الوفاء، بیروت، اول.
- نایینی، محمدحسین، (۱۳۷۶ ش) *فوائد الأصول*، قم، اول.
- نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، (۱۴۰۷ ق) *رجال النجاشی* - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول.

- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (بی تا) *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، هفتم.
- نراقی، مولی محمد بن احمد، (۱۴۲۲ هـ.ق) *مشارق الأحكام*، کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، قم، دوم.
- همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، (۱۴۱۶ ق) *مصباح الفقيه*، مؤسسة الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی، قم، اول.
- واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ق) *تاج العروس من جواهر القاموس*، دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع، بیروت، اول.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، (۱۴۱۰ ق) *حاشیة المکاسب* (للیزدی)، مؤسسه اسماعیلیان، قم، اول.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، (۱۴۱۹ ق) *العروة الوثقی* (المحشّی)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، (۱۴۲۶ ق) *حاشیة فرائد الأصول*، قم، اول.